



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: میراث الخنثی و ما أشبهه.

بجثمان در میراث خنثی و ما أشبهه بود، از تحریرالوسیلة و دیگر کتب نقل کردیم که: «(مسألة ۶): لو كان لشخص رأسان على صدر واحد، أو بدنان على حقو) تُهيّ غاه) واحد ، فطريق الاستعلام أن يوقف أحدهما، فإن انتبه دون الآخر فهما اثنان يورثان ميراث الاثنین، و إن انتبه يورث إرث الواحد. ثم إن لهذا الموضوع فروعاً كثيرة جداً سیّالة في أبواب الفقه مذکور بعضها في المفصّلات.»<sup>۱</sup>

روایت مربوط به این بحث را دیروز خواندیم و اما امروز مقداری از کلام جواهر را می خوانیم، صاحب جواهر در این رابطه اینطور فرموده: «المسألة (الثانية) :

( من له رأسان وبدنان على حقو واحد ) كما عن أبي جميلة أنه رأى بفارس امرأة لها رأسان وصدران في حقو واحد متزوجة تغار (غار يغار به معنای غیرت و حساسیت های زنانه ای که دو زن نسبت به هم دارند) هذه على هذه وهذه على هذه ، وعن غيره أنه رأى رجلا كذلك وكانا حائكين يعملان جميعا على حقو واحد ، وحكمه أنه ( يوقف أحدهما فإن انتبه فهما واحد ، وإن انتبه أحدهما فهما اثنان ) .»<sup>۲</sup>

دیروز خبری در این رابطه خواندیم و گفتیم دو نفر مجهول و غیر ثقه در سند آن وجود دارد منتهی چون فقهاء و اصحاب به آن عمل کرده اند ضعفش جبران

می شود، صاحب جواهر بعد از نقل آن خبر اینطور می فرماید: «ولا ينافيه قوله تعالى: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ﴾<sup>۳</sup> إلى آخرها لجواز أن يراد قلبين متضادين يحب بأحدهما شيئاً ويكرهه بالآخر ، أو يحب قوما بأحدهما وبالآخر اعداءهم. ولذا قال الشيخ رحمه الله في المحكي من تبيانه : " ليس يمتنع أن يوجد قلبان في جوف واحد إذا كان ما يوجد بينهما يرجع إلى حي واحد ، إنما التنافي أن يرجع ما يوجد منهما إلى حيين " .»<sup>۴</sup>

قلب در لغت و در طب و در تشریح یک معنا دارد لکن در قران و روایات ما معنای دیگری دارد، در طب و تشریح قلب همان است که زیر سینه انسان و مقداری متمایل به سینه چپ قرار گرفته و قلب هر کسی به اندازه مُشت بسته او می باشد و از شگفتیهای قلب این است که حتی در دورانی که جنین در شکم مادر است نیز قلبش کار می کند و انقباض و انبساط بسیار منظمی دارد و کارش در بدن بسیار مهم می باشد، قلب در هر دقیقه ۷۰ و در ساعت ۴۲۰۰ و در ۲۴ ساعت ۱۰۰۸۰۰ و در سال تقریباً ۳۶ میلیون مرتبه ضربان دارد، حالا وارد بحث از قلب و چگونگی فعالیتش نمی شویم چون بسیار مفصل می باشد، علیّیّ حال مراد از آن قلبی که در طب و تشریح گفته می شود همین است که عرض شد و اما در قران و روایات مراد از قلب در واقع حُب و بغض و گرایش می باشد مثلاً گفته می شود فلان کس قساوت قلب دارد یا فلان کس رقیق القلب است یا فلان کس دیگری را قلبا دشمن می دارد و یا قلبا دوست می دارد که خب

<sup>۳</sup> سوره احزاب، آیه ۴.

<sup>۴</sup> جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۹۸، ط ۴۳ جلدی.

<sup>۱</sup> تحریرالوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۲۹، ط نشر آثار.

<sup>۲</sup> جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۹۷، ط ۴۳ جلدی.

"خلقکم" یعنی شما را دارد می گوید و شمائیت شما همان روح شما می باشد، آیت الله طباطبائی یک حرفی زدند که بسیار قابل توجه می باشد ایشان فرمودند در این موارد که فلاسفه چیز دیگری گفته اند همیشه من برای حفظ عقیده خودم می گویم پروردگارا من به آنچه که پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام معتقد بودند و فرموده اند معتقد هستم و اینها کلماتی هستند که ما می خوانیم و بحث می کنیم.

خب و اما همانطور که امام رضوان الله علیه فرمودند این مسئله فروعات بسیار زیادی دارد و صاحب جواهر نیز مفصلاً وارد این بحث شده که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

اینها مال این قلب در سینه نیستند بلکه مربوط به انگیزه هایی هستند که از قلب انسان بر می خیزند.

دیروز عرض کردیم که انسانیت و شخصیت انسان به دست و گوش و چشم و قلب و کلا بدنش نیست بلکه به روح او می باشد، در قران فراوان ذکر شده که کسانی به معاد شبهه می کردند و می گفتند وقتی ما مردیم و خاک شدیم نمی شود که مجددا در روز محشر برگردیم: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup> شما فقط همین بدن نیستید بلکه روح نیز دارید همان روحی که ملک الموت آن را می گیرد و شمائیت شما به روح شماست و آن روح نیز باقی است و از بین نمی رود، یک وقتی بنده از آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه سوالی کردم، یک شخصی بود بنام پروفیسور کرین که شیعه بود و مطالعات زیادی درباره معارف تشیع و اسلام داشت و سالی یک بار از فرانسه به تهران می آمد و آیت الله طباطبائی به اندازه ای متواضع بود که از قم به تهران می رفت و به اشکالات و شبهات او جواب می داد، یکی از سوالاتی که پروفیسور کرین پرسیده این است که ما روایاتی داریم که فرمودند: "خلق الارواح قبل الاجساد بألفی عام" و از طرفی شما در فلسفه می گوئید انسان از خاک و نطفه بوجود آمده و همین طور مراحل را طی می کند تا در چهار ماهگی روح در آن دمیده می شود، این چگونه است؟ و بنده نیز همین سوال را از ایشان پرسیدم، آیت الله طباطبائی جواب دادند ظاهر قران این است که هر انسانی اول تراب است و بعد نطفه و بعد علقه و بعد مضغه و بعد انسان می شود "فتبارک الله أحسن الخالقین" ، در قران گفته شده

<sup>۱</sup> سوره سجد، آیه ۱۱.